

زهرای اطهر علیهاالسلام

مبدأ تاریخی تقابل «حیات طیبه» و «انحطاط مدرن»

بررسی هندسه فکری امام شهید قدس‌سره در تحلیل سیره حضرت زهرا علیهاالسلام و تربیت انسان موحد

گفت‌وگو با با حجت‌الاسلام والمسلمین اصغر مددی
سئول اداره ترویج فرهنگی دفتر حفظ و نشر آثار رهبر معظم انقلاب در قم

ادامه از صفحه قبل

اما امام شهید قدس‌سره با استناد به منطق قرآن تأکید داشتند که «روش انبیا» چنین نبوده است. انبیای الهی علیهم‌السلام برای تحقق هدایت عمومی، نیامدند صومعه، خانقاه یا مدارس ایزوله‌ای تأسیس کنند که در گوشه‌ای بنشینند و در گوش افراد معدود نجوای توحید سر دهند؛ افق رسالت انبیا علیهم‌السلام تمام بشریت و سوق‌دادن انسان‌ها به‌سمت حیات طیبه بود. ایشان از سال ۱۳۵۳ (در جلسات مسجد امام حسن مجتبی علیه‌السلام که (در کتاب ارزشمند طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن انعکاس یافته)، یک تمثیل بنیادین ارائه می‌دهند و می‌فرمایند: انبیا به‌جای تولید دستی و انفرادی، «کارخانه انسان‌سازی» تأسیس کردند.

شما یک وقت در خانه کیکی می‌پزید و برای یکی دو مشتری ارسال می‌کنید؛ اما یک وقت یک خط تولید و کارخانه راه می‌اندازید که روزانه صدها هزار محصول باکیفیت به جامعه عرضه می‌کند. کارخانه انبیا علیهم‌السلام به‌گونه‌ای تعبیه شده بود که مصداق ﴿يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا﴾ (نصر/۲) محقق شود. مقصود این است که روش انبیا را نمی‌توان به زمزمه‌کردن توحید در گوش یک فرد فروکاست؛ توحید باید در مسیر زندگی انسان و در مناسبات گوناگون حیات او امتداد یابد. تربیت انفرادی گرچه در جای خود موضوعیت دارد، اما به‌تنهایی پاسخگوی نجات بشریت نیست. روش کلان انبیا «نظام‌سازی» است؛ یعنی جامعه باید به‌گونه‌ای معماری شود که هندسه آن خودبه‌خود انسان‌ها را به‌سوی تعالی و طهارت سوق دهد.

فصل دوم: الگوی فضاسازی؛ از سیره فاطمی علیهاالسلام تا مواسات اجتماعی

○ تعبیر امام شهید قدس‌سره از این کارخانه، مفهومی به‌نام «ساخت فضای مساعد» است. این سازوکار چگونه کارایی تربیت را تضمین می‌کند؟

• دقیقاً همین‌طور است؛ تعبیر کاربردی ایشان، ایجاد «فضای مساعد» یا همان محیط تربیتی و ساخت فرهنگ مناسب و هوای مناسب تربیت است. اگر فضا آماده شد، تربیت با سرعت بالاتر، سهولت بیشتر، گستره فراگیرتر و هزینه به‌مراتب کمتر محقق می‌شود.

امام شهید قدس‌سره در تعبیری راهبردی می‌فرمودند: «فرهنگ مثل هواست»؛ همان‌طور که اگر هوا آلوده باشد، ریه‌ها آسیب می‌بینند و اگر پاکیزه باشد، همه ناخودآگاه از حیات سالم بهره‌مند می‌شوند، فضای فرهنگی و ساختار حاکم بر جامعه نیز باید چنان باشد که استشمام آن، فرد را به‌سوی بندگی خدا هدایت کند.

بهترین مثال ملموس آن، ماه مبارک رمضان است؛ در ماه رمضان خوب‌بودن، تلاوت قرآن، پرهیز از گناه، انفاق، خدمات اجتماعی، نقش‌آفرینی‌های انقلابی و تقویت آرمان معنویت در جامعه، برای آحاد مردم و مسئولان بسیار سهل‌تر و روان‌تر از سایر ماه‌هاست؛ زیرا فضای عمومی خانه، محله و جامعه آکنده از یاد خداست.

نمونه معاصر دیگر، رزمایش «مواسات و کمک‌های مؤمنانه» در ایام کرونا و پویش عظیم «ایران همدل» است؛ وقتی فضا، فضای گذشت و همدلی شد، همسایه از طلا و خودرو و طبقه مسکونی خود گذشت. اگر قرار بود تک‌به‌تک افراد را موعظه کنیم، چنین رستاخیز مالی و روحی عظیمی پدید نمی‌آمد.

○ این نگرش ساختارمند و اجتماعی به تربیت، در سیره مبارک اهل‌بیت علیهم‌السلام و به‌ویژه مجاهدت‌های حضرت صدیقه طاهره علیهاالسلام چگونه قابل ردگیری است؟

تمام سیره اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام، به‌ویژه حیات سراسر نور حضرت زهرای مرضیه علیهاالسلام، شاهدی روشن بر این نظریه است. اگر خط سیر زندگی ایشان را بررسی کنید –از دوران کودکی و ایستادگی در شعب ابی‌طالب در جایگاه خطیر «اُمّ‌ابیها» تا دوران ازدواج و همسرداری و شیوه فرزندپروری در مدینه و سپس موضع‌گیری‌های بنیادین پس از رحلت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در مسئله ولایت امیرالمؤمنین علیه‌السلام تا لحظه شهادت– همگی در امتداد یک هدف واحد تعریف می‌شود: «پاسداری از هدف پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در ساخت جامعه اسلامی و تحقق توحید در تمام ابعاد حیات بشری و حفظ بستر هدایت جامعه است».

هدف پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در گروی نفی طاغوت، تحقق عبودیت خداوند، جریان عدالت، ایجاد آزادی حقیقی در ابعاد گوناگون، استقلال جامعه مسلمانان از هر آنچه غیرتوحیدی است و فراهم‌آوردن زمینه رشد مادی و معنوی انسان‌ها بود؛ اموری که تنها در بستر حکومت و جامعه اسلامی به‌صورت فراگیر تحقق پیدا می‌کنند.

حضرت صدیقه طاهره علیهاالسلام در این مسیر تلاش کردند تا جامعه و نظام اسلامی‌ای که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در پی تحقق آن بودند، استمرار یابد. ولیّ الهی باید در جامعه نقشی پیش‌برنده داشته باشد تا زمینه تحقق این اهداف را فراهم کند. اگر ولایت الهی در جامعه حضور و جریان مؤثر نداشته باشد، شاهرگ تربیت قطع شده و بسیاری از زمینه‌های لازم برای حیات طیبه فراهم نخواهد شد؛ از این‌رو، مجاهدت‌های جانانه و جان‌فشانی حضرت صدیقه طاهره علیهاالسلام پس از رحلت نبی مکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، حرکتی برای حفظ صِرف یک شخص یا منصب دنیوی نبود؛ بلکه جان‌فشانی برای حفظ بستر تربیت بشریت بود؛ تلاشی که در خانه، در جامعه و در همه عرصه‌های حیات نورانی ایشان جریان داشت.

حوزه باید رسالت اصلی خود را «نظام‌سازی بر پایه اسلام» بداند و خود را نسبت به آن ملتزم بشمارد؛ رسالت اصلی، ساختن نظامی اسلامی و فراهم‌آوردن محیطی مناسب برای حرکت جامعه است؛ محیطی که در آن روش انبیا امکان اجرا پیدا کند.

همان‌گونه که در پیام‌های راهبردی امام شهید قدس‌سره به حوزه‌ها در صدمین سالگرد بازتأسیس حوزه علمیه قم آمده است، رسالت حوزه در تعامل با نخبگان دانشگاهی، تولید نظامات اداره جامعه (نظام اقتصاد اسلامی، نظام خانواده، نظام تربیت، رسانه، قضا، شهرسازی و...) بر مبنای فقه جواهری و معارف وحیانی است.

○ برجسته‌ترین تجلی این فضاسازی ساختارمند در تاریخ معاصر چه بود و امام شهید قدس‌سره چگونه آن را تحلیل می‌کردند؟

• بارزترین تجلی عینی این الگو در دفاع مقدس به چشم می‌خورد. دفاع مقدس صرفاً یک جنگ نظامی نبود؛ بلکه دقیقاً یک «کارخانه عظیم انسان‌سازی» و فضایی بود که در آن بسیاری از مبانی و ارزش‌ها ظهور و بروز یافت.

امام شهید مثال شگفت‌آوری می‌زدند و به این مضمون می‌فرمایند: نامه‌های هفته‌های نخست رزمندگان در جبهه را با نامه‌های ماه‌های سوم و چهارم همان افراد مقایسه کنید؛ در هفته‌های اول دغدغه‌ها ناظر به سردی و گرمی هوا، کیفیت غذا، کمبود خواب و سختی پادگان بود؛ اما پس از چند ماه حضور در آن فضای معنوی، ادبیات و آرمان‌های آنان دگرگون می‌شد؛ سخن از عروج، استغفار شبانه، سبقت در ایثار، واکس‌زدن شبانه کفش همرزمان و داوطلب‌شدن برای معابر مین بود. چرا چنین تحولی رخ داد؟ چون ساختار و فضای جبهه، فضای مجاهدت و ایثار بود و در چنان فضایی، انگیزه برای شرارت رنگ می‌باخت و مسیر طهارت نفس هموار می‌شد؛ به‌همین دلیل است که از آن تحول شگرف به «فتح‌الفتوح» تعبیر شد.

نکته بسیار عمیق این است که همان‌طور که در کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن تصریح شده، وقتی فضای مساعد اجتماعی شکل بگیرد، شرایط به‌گونه‌ای متحول می‌شود که حتی کسانی که پیش از آن دچار رگه‌هایی از نفاق، سستی یا ضعف‌های جدی ایمانی بوده‌اند، در مجاورت آن جریان زلال، دگرگون شده و در عداد مؤمنان راستین قرار می‌گیرند. این خاصیت اعجازآفرینِ ساختار سالم و فضای مساعد است که زمینه لغزش را به حداقل رسانده و موتور محرکه فطرت را فعال می‌کند.

فصل سوم: پیشران مجاهدت و رسالت نظام‌ساز حوزه‌های علمیه

○ در بیانات امام شهید قدس‌سره تأکید ویژه‌ای بر کلیدواژه «مجاهدت مستمر» دیده می‌شود. جایگاه مجاهدت در شکل‌گیری و بقای این فضای تربیتی چیست؟

• ببینید، هیچ فضای مساعدی بدون مجاهدت خلق نمی‌شود و پایدار نمی‌ماند. امام شهید بارها اشاره کرده‌اند که بدون مجاهدت، هیچ هدفی محقق نمی‌شود و وظیفه رهبری جامعه را این دانسته‌اند که هر جا شعله جهاد رو به افول رفت، آن را برافروخته کند. از منظر ایشان، هر تلاشی جهاد نیست؛ جهاد یعنی: «تلاش مستمر، هوشمندانه و خستگی‌ناپذیر در تقابل با دشمن». درس‌خواندن برای بی‌نیازکردن جامعه از وابستگی، جهاد علمی است؛ بازکردن گره معیشت برای خنثی‌کردن توطئه تحریم، جهاد اقتصادی است و روشنگری در برابر امپراتوری دروغ، جهاد تبیین است؛ همان‌گونه که صدیقه طاهره علیهاالسلام با خطبه تاریخی فدکیه، بزرگ‌ترین جهاد تبیین تاریخ را برای جلوگیری از انحراف امت و رسواسازی نفاق پایه‌گذاری کردند.

در مسیر عبودیت، نفی طاغوت و برطرف‌کردن موانع عدالت، موانع پرشماری صف کشیده‌اند: عواملی که موجب بی‌عدالتی، اسارت و وابستگی می‌شوند، در کنار عوامل درونی مانند کوری باطن، غفلت، جهل، نخوت و آلودگی‌های نفسانی. تا زمانی که با این موانع مبارزه نشود، زمینه تحقق تربیت حقیقی فراهم نخواهد شد و این مجاهدت نیز اقدامی مقطعی و گذرا نیست؛ بلکه باید دائمی و مستمر باشد و تا زمانی که انسان نفس می‌کشد، ادامه پیدا کند: ﴿وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ﴾ (حجر/۹۹).

تربیت فردی به‌تنهایی از عهده رفع این موانع سنگین برنمی‌آید؛ زیرا ابزارها، ظرفیت‌ها، قدرت و ساختارهای قانونی لازم را برای هماوردی با جبهه باطل در اختیار ندارد. در چنین وضعی، ولایت الهی در شئون زندگی اجتماعی جریان پیدا نمی‌کند و توحید در سطحی محدود باقی می‌ماند.

اما ویژگی بی‌نظیر کارخانه نظام اسلامی این است که «جذب حداکثری» را محقق می‌سازد. در یک کارخانه، از نگهبان دم در تا کارشناس فنی و مدیرعامل، هرکس متناسب با توان خود نقشی ایفا می‌کند و بهره می‌برد. در مکتب تربیتی امام شهید قدس‌سره، قرار نیست همه از ابتدا در رتبه صد ایمانی باشند؛ بلکه رسالت ولیّ جامعه این است که همه آحاد را متناسب با ظرفیت‌شان یک گام به‌پیش ببرد؛ آنکه در نمره یک است، به دو برسد و آنکه در نمره صد است، ارتقا یابد. به یاد دارید که ایشان درباره افراد دارای ضعف در حجاب فرمودند: این‌ها هم اهل دعا، مناجات و ماه رمضان هستند و نباید با برچسب‌زنی، طرد شوند. این معجزه ساخت فضای مجاهدت است که آحاد جامعه را در مسیر طهارت به حرکت درمی‌آورد.

○ رسالت حوزه‌های علمیه و نخبگان دینی در پیوند با این روش تربیتی و تحقق رسالت انبیایی چگونه تبیین می‌شود؟

• دقیقاً از همین پایگاه فکری است که حوزه باید رسالت اصلی خود را «نظام‌سازی بر پایه اسلام» بداند و خود را نسبت به آن ملتزم بشمارد؛ رسالت اصلی، ساختن نظامی اسلامی و فراهم‌آوردن محیطی مناسب برای حرکت جامعه است؛ محیطی که در آن روش انبیا امکان اجرا پیدا کند.

همان‌گونه که در پیام‌های راهبردی امام شهید قدس‌سره به حوزه‌ها در صدمین سالگرد بازتأسیس حوزه علمیه قم آمده است، رسالت حوزه در تعامل با نخبگان دانشگاهی، تولید نظامات اداره جامعه (نظام اقتصاد اسلامی، نظام خانواده، نظام تربیت، رسانه، قضا، شهرسازی و...) بر مبنای فقه جواهری و معارف وحیانی است.

اگر نظام‌سازی نکنیم، ساختارهای لیبرالی و سکولار –که نابرابری و ماده‌گرایی در تاروپود آن‌ها نهادینه است– فضا را مسموم کرده و مانع شکوفایی استعدادهای مادی و معنوی انسان‌ها می‌شوند؛ درنتیجه، تربیت انسان بر اساس اسلام ناب شکل نمی‌گیرد. حتی تحقق قسط که در آیه شریفه ﴿لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾ به آن اشاره شده است –و مقصود فقط قسط و عدالت اقتصادی نیست؛ بلکه ایجاد توازن و عدالت در فرصت‌های تعالی معنوی و اخلاقی در تمام آرمان‌هاست– برای این است که فضای کاملاً مساعد برای تعالی همه‌جانبه بشریت فراهم شود و این محقق نخواهد شد، مگر با ساخت نظام اسلامی برای رسیدن به جامعه و تمدن نوین اسلامی.

فصل چهارم: افق تمدنی؛ از مواجهه با مدرنیته تا مهدویت و حفظ نظام

○ موضع مکتب تربیتی امام شهید قدس‌سره در مواجهه با روان‌شناسی و علوم تربیتی مدرن غربی چه بود؟ آیا برخورد ایشان با این علوم کاملاً سلبی است؟

• مواجهه امام شهید با علوم مدرن، مواجهه‌ای حکیمانه، نقادانه و فعال (غیرمنفعلانه) بود. در این رویکرد، میان «مبانی هستی‌شناختی» و «دستاوردهای روش‌شناختی» تفکیک دقیقی وجود دارد:

از حیث مبانی، پایه‌های انسان‌شناختی و فکری غرب –که برآمده از ماتریالیسم، لیبرالیسم، فردگرایی مفرط و اومانیسم سکولار است– به‌هیچ‌وجه پذیرفتنی نیست؛ زیرا همان‌گونه که شوری، ذاتیِ نمک است، اصالت سود، غریزه‌محوری و بی‌عدالتی ساختاری نیز جزئی لاینفک از مدرنیته و نظام سرمایه‌داری غرب به‌شمار می‌رود. این همان پرتگاهی است که جهان معاصر را به ورطه «انحطاط مدرن»، بحران معنا و شیءانگاری انسان کشانده است.

دقیقاً در نقطه مقابل این تفکر، حقیقت تابناک مکتب حضرت صدیقه طاهره علیهاالسلام قرار دارد. سیره فاطمی مبدأ تاریخی تقابل با چنین انحطاطی است؛ تمدن غرب، افق انسان را در مدار حبّ نفس، اصالت لذت و چرخه بی‌پایان تولید و مصرف، تعریف و تحقیر می‌کند؛ درحالی‌که الگوی زهرایی بر پایه منطق توحیدی، راه رسیدن به «حیات طیبه» را در طهارت روحی، فداکاری در راه حق، پیوند فرد با سرنوشت امت و ایثار اجتماعی ترسیم می‌نماید؛ بنابراین، دستگاه تربیتی اسلام با مکاتب اومانیستی غرب در غایت و مبنا در تقابل بنیادین قرار دارد.

اما از حیث روش‌شناسی تجربی و موضوع‌شناسی، مانعی برای بهره‌گیری از علوم مدرن وجود ندارد؛ چنان‌که اگر دانشمندی غربی با پژوهشی میدانی بر روی صدها نمونه، به داده‌ای تجربی یا ابزاری در شناخت رفتار دست یابد که با چارچوب‌های قطعیِ وحیانی در تعارض نباشد، می‌توان از آن یافته‌ها برای تنقیح مناط، موضوع‌شناسی یا حتی بازخوانی و استنطاق دقیق‌تر متون دینی بهره برد. به‌تعبیر دیگر، نگاه ایشان رویکردی «پالایشی و تهذیبی» بود؛ نفی بنیادهای الحادی و عبور از انحطاط مدرن، در عین بهره‌گیری هوشمندانه و عقلایی از ابزارها و دستاوردهای کارآمد تجربی برای تحقق حیات طیبه.

○ نسبت این مکتب تربیتی با فتح‌الفتوح تاریخی حضرت امام خمینی قدس‌سره چیست؟

• مکتب تربیتی امام شهید قدس‌سره دقیقاً منطبق و استمراردهنده مکتب تربیتی امام راحل عظیم‌الشأن قدس‌سره است. حضرت امام فرمودند: فتح‌الفتوح انقلاب، نه صرفاً سرنگونی رژیم پهلوی یا پیروزی‌های نظامی، بلکه «تربیت جوانان مؤمن و انقلابی» بود؛ همان فرزندانی که در سال ۱۳۴۲ در گهواره بودند و در دفاع مقدس حماسه‌آفرین شدند.

امام خمینی قدس‌سره نه فرصت داشت و نه روشش این بود که برای شهید مهدی زین‌الدین، شهید باقری یا شهید حاج‌قاسم سلیمانی، کلاس درس انفرادی بگذارد؛ امام با برپایی نهضت و استقرار حاکمیت اسلام، فضایی خلق کرد که اکسیژن آن ایثار و تقوا بود و جوانان تشنه حقیقت در آن فضا شکوفا شدند و مدارج سلوک الی‌الله را یک‌شبه طی کردند.

○ در افق جهانی و مهدوی، این الگوی تربیتی چه پیامی برای امت اسلام و جامعه بشری دارد و چرا بر این اساس، «حفظ نظام اسلامی» اوجب واجبات به‌شمار می‌رود؟

• افق نهایی مکتب تربیتی انقلاب اسلامی، مرزهای جغرافیایی و مذهبی را درمی‌نوردد و معطوف به تمامیت بشریت است: ﴿لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ﴾ (بقره/۱۴۳). امام شهید در خطبه‌های نماز جمعه (۲۹ خرداد ۱۳۶۰) به این مضمون تصریح داشته‌اند که بشریت، امروز تشنه و در جست‌وجوی راه نجات و فرج است؛ اما مسیر آن را به‌درستی نمی‌شناسد؛ رسالت نظام اسلامی و ملت انقلابی، نشان‌دادن این الگو به جهان است.

ایشان دایره هم‌گرایی را بر پایه آرمان‌های فطری بشر گسترش می‌دادند؛ عدالت‌خواهی، استقلال‌طلبی، نفی استبداد و تکریم کرامت انسانی شعارهایی است که هر فطرت پاکی با آن همراه است. جامعه مهدوی، جامعه‌ای است که در آن نه‌تنها عدالت مادی، بلکه قسط در معنویت و فضایل اخلاقی محقق خواهد شد. انقلاب اسلامی وظیفه دارد با ایجاد الگوی عینی از حیات طیبه، بستر جهانی را برای اقبال دل‌ها به حکومت موعود عدل‌گستر مهیا سازد.

بر این اساس، ساخت جامعه اسلامی و تمدن اسلامی، همان چیزی است که از آن به «کارخانه انسان‌سازی» تعبیر می‌شود و بستری اساسی برای تربیت انسان مؤمن است. اینجاست که نظام‌سازی و تمدن‌سازی به‌عنوان ضرورتی اساسی برای تحقق تربیت اسلامی و نجات بشریت معنا پیدا می‌کند.

همچنین علت تأکید امام راحل و امام شهید رضوان‌الله‌علیهما بر اینکه «حفظ نظام اسلامی اوجب واجبات است»، با همه ابعاد تربیتی‌اش روشن‌تر می‌شود؛ حفظ نظام اسلامی، پاسداری از ساختارهای اسلامی و تحقق دولت و جامعه اسلامی، حفظ بستر مأموریت تربیتی «ولیّ جامعه» است؛ زیرا ولیّ جامعه می‌تواند مأموریت انبیایی خود را در چنین چارچوبی به‌درستی عملیاتی کند، دست آحاد بشریت را بگیرد و آنان را در فرایندی فراگیر، ساختارمند و عزتمندانه، به سرمنزل مقصود حیات طیبه و آمادگی برای عصر ظهور حضرت حجت (ارواحنافداه) برساند.

○ از اینکه با متانت، دقت علمی و بیان روشنگرانه، دعوت هفته‌نامه «افق حوزه» را پذیرفتید و این مبحث عمیق تربیتی-تمدنی را برای مخاطبان فرهیخته تبیین فرمودید، صمیمانه سپاسگزاریم.

• من هم از تلاش‌های ارزشمند شما و مجموعه فاخر «افق حوزه» صمیمانه تشکر می‌کنم و امیدوارم این مباحث، سرآغاز پژوهش‌های بنیادین در حوزه فقه نظام‌ساز و امت‌ساز در تربیت اسلامی قرار گیرد. توفیق همگان را در تحقق آرمان‌های تمدنی انقلاب اسلامی از خداوند متعال مسألت دارم. والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته.

ویرایش و تنظیم: حمید کرمی